روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۵ - ۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم- شماره ۷۷۲۲ - ۱۲ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

پیام رهبر فرزانه انقلاب در گرامیداشت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار

تجلیل از حضور زینبی بانوان و دختران ایران

در زمانه‌ای که شبکه خبیث استکبار از هیچ سعی برای وارد ساختن انواع ظلم و جنایت بر ملت‌های آزاده و مقاوم خصوصاً ملت ایران خودداری نمی‌کند
توجه به پرستاران، تقویت جامعه پرستاری، حفظ و ارتقای دانش، مهارت، توان، نشاط، انگیزه و کرامت پرستاران تأثیر مهمی بر سلامت و امنیت جسمی و روحی جامعه دارد | صفحه ۳

رویترز: شیوخ خسارت حملات ایران را پنهان کرده‌اند

| صفحه ۱۱ |

طائب: در جنگ آینده دقیق‌تر هدف‌گیری می‌کنیم

| صفحه ۲ |

افول لیبرالیسم با «جمهوری سوسیالیستی امریکا»!

نشانه‌های تغییر وفاداری به ایسم‌ها در غرب

■ غلامرضا صادقیان | سردبیر

نشانه‌های یک دگرگونی بنیادین در غرب بیشتر از گذشته آشکار شده است و این‌بار گویا «در غرب خبری هست!» می‌توان بر اساس شواهد موجود مدعی شد اضطراب روزافزون نسبت به مشروعیت چارچوب‌های موجود در غرب، اکنون از حاشیه به متن آمده است. من این را یکی از دلایل یا دلیل اصلی تمامی جنگ‌افروزی‌ها و فزون‌طلبی‌های غرب و امریکا به ویژه جنگ‌های اخیر می‌دانم، زیرا غرب احساس خطر کرده است.

تغییر «ایسم‌ها» (مکاتب فکری و ایدئولوژی‌ها) که در جلد جدید نیوزویک آمده است، نگرانی از پلوتوپوپولیسم که فایننشال‌تایمز به آن پرداخته است و تأکید بر تغییرناپذیری قوانین اساسی غربی حتی در شرایط تغییر جمعیتی و اکثریت که در سخنان مسئولان بلندپایه‌ی غربی شنیده می‌شود، دو روی یک سکه از این اضطراب هستند.

بر اساس انتشار نظرسنجی گالوپ در شماره‌ی جدید نیوزویک ۴۳درصد از بزرگسالان امریکایی اکنون دیدگاه مثبتی نسبت به سوسیالیسم دارند. این نخستین بار از سال ۲۰۱۰ است که این رقم از مرز ۴۰درصد عبور می‌کند. نکته مهم‌تر اینکه این رشد عمدتاً ناشی از مستقل‌های سیاسی است که دیدگاه مثبت آن‌ها از ۳۷درصد به ۴۷درصد رسیده است. در مقابل، محبوبیت کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) از ۶۰درصد در سال ۲۰۲۱ به ۵۴درصد کاهش یافته است.

جلد جدید نیوزویک با تیتر «جمهوری سوسیالیستی امریکا» و تصویرسازی طنزآمیز از پنج چهره‌ی چپ امریکایی، شوخی یا کار یک نشریه‌ی زرد نیست. این پنج چهره همگی در حال دوچرخه‌سواری با لباس‌های الهام‌گرفته از دوران مائو و برافراشتن پرچم سرخ هستند! برنی سندرز (سناتور)، الکساندریا اوکاسیو-کورتز (کنگره)، عبدل السید (نامزد دموکرات مجلس سنا از میشیگان که ترامپ هر روز نام او را تمسخر می‌کند)، زهران ممدانی (شهردار نیویورک که عقده و غده‌ی ذهنی ترامپ شده است!)، و حسن پیکر (مفسر سیاسی و رسانه‌ای جوان). ترکیب این پنج چهره، از یک سناتور کهنه‌کار تا یک استریمر جوان، و از نماینده‌ی کنگره تا مدیران شهری و نامزدهای سنا، نشان‌دهنده‌ی طیف گسترده و چندلایه‌ای است که دقیقاً روند ورود گفتمان سوسیالیستی از حاشیه به متن سیاست امریکا را بازنمایی می‌کند. می‌توان با توجه به سخنان جدید فرانسیس فوکویاما فیلسوف و متخصص اقتصاد سیاسی امریکایی که به‌تازگی گفت «دیگر لیبرال نیستم، سوسیال دموکرات شده‌ام»، مدعی شد سوسیالیسم در امریکا عینی‌تر و فراتر از سطح ایده رفته و به سطح چهره‌های واقعی که در حال کسب قدرت نهادی هستند، رسیده است.

سال ۸۸ در سفر حج تمتع چند روحانی از گروه‌های نخبگانی فرانسه حضور داشتند. در مزدلفه گعده‌ای بود که یکی از ایشان می‌گفت «تا ۱۵ سال دیگر: جمهوری اسلامی فرانسه»! خب، اگر بخواهیم بدانیم این حرف نادرست درآمده یا فقط به‌لحاظ زمانی دچار خطای محاسبه شده است، باید بدانیم که چند سال پس از آن وزیر کشور فرانسه با احساس خطری عمیق گفت: «حتی اگر روزی مسلمانان در فرانسه اکثریت شدند، قانون اساسی جمهوری [فرانسه] تغییرناپذیر است»! چیزی که با خودش پارادوکس خودش را حمل می‌کند. ولی به این هم اکتفا نشد و بارها و بارها چنین سخنانی در فرانسه به رسانه‌ها آمد، و از جمله در ماه مه ۲۰۲۵ وزیر کشور پیشنهاد کرد در قانون اساسی این کشور درج شود: «هیچ‌کس نمی‌تواند به دین، اعتقادات یا اصل و نسب خود تمسک کند تا از قانون مشترک [جمهوری فرانسه] فرار کند»!

این اظهارات همان منطق اضطراب «ایسم»ها را دارد. وقتی تغییرات جمعیتی یا فرهنگی امکان می‌یابد که ترکیب «ملت» را تغییر دهد، طراحان نظام موجود تلاش می‌کنند اصول اصلی را در سطح قانون اساسی «قفل» کنند تا از دسترس اراده‌ی اکثریت آینده خارج شود. این قانون‌اساسی‌گرایی تدافعی، تلاشی برای قراردادن قانون مشترک بالاتر از اراده‌ی دموکراتیک اکثریت است. البته هر قانون اساسی در هر کشوری گرفتار این خطر می‌شود، ولی در غرب برای آن نسخه‌ی پارادوکسیکال می‌پیچند!

اما ماجرای «پلوتوپوپولیسم» (Plutopopulism) که فایننشال‌تایمز به آن پرداخته است، چیست؟ مارتین ولف، مفسر ارشد اقتصادی این روزنامه این اصطلاح را ابداع کرده و به استفاده نخبگان ثروتمند از موضوعات پوپولیستی برای بسیج حمایت توده‌ها به منظور تحقق اهداف الیگارشیک خود اشاره دارد. مقاله فایننشال‌تایمز استدلال می‌کند که رهبران تجاری امریکا ابتدا بر اساس محاسبات اقتصادی مانند کاهش مالیات و مقررات‌زدایی، از ترامپ حمایت کردند، ولی اکنون متوجه شده‌اند او در تجارت آزاد و اتحادهای جهانی شکاف ایجاد کرده و «رویکرد بی‌پروای او به جنگ و تجارت» با منافع تجاری در تضاد است. وقتی نتایج توزیعی سرمایه‌داری موجب نارضایتی اکثریت می‌شود، بخشی از نخبگان سرمایه‌داری تلاش می‌کنند با جنگ‌های فرهنگی و ناسیونالیسم، تناقضات را منحرف کنند اما این استراتژی در نهایت به منافع اقتصادی خودشان نیز آسیب می‌زند، مانند اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی و تخریب روابط با متحدان.

قطعاً افزایش محبوبیت سوسیالیسم در امریکا، ناشی از روایت کلاسیک مارکسیستی مبارزه‌ی طبقاتی نیست، چیزی که فعلاً می‌توان دعوی آن را داشت این است که این محبوبیت برخاسته از مشکلات مادی بسیار مشخص است. وقتی با افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و بی‌ثباتی شغلی مواجه می‌شویم، «چپ» احیا می‌شود، چیزی که ناظران از تصاویر حضور دانش‌آموزان فرانسوی در خیابان حس می‌کنند همین زنده‌شدن چپ است. هرچند در همین فرانسه و آلمان احزاب راست احتمال پیروزی بیشتری دارند که این راست‌گرایی جدید در اروپا، لیبرال نیست و ناسیونالیستی و ناشی از نگرانی‌های مهاجرتی است.

تغییر «ایسم»ها آغاز شده است، اما این‌بار شکل انقلاب ندارد، شکلش رقابت بر سر گفتمان است. افزایش محبوبیت سوسیالیسم در میان جوانان امریکایی، شاید واکنشی احساسی به ناکارآمدی توزیعی سرمایه‌داری باشد، ولی یقه‌ی غرب را به‌سادگی رها نمی‌کند. جنگ واقعاً می‌تواند مانند دریچه‌ی خروجی اضطراب داخلی استفاده شود، و می‌توان مدعی شد که جنگ‌هایی که امریکا به راه می‌اندازد، و جنگ علیه ایران نیز حکم همین دریچه را دارد. این جنگ‌ها ولی شمشیری دولبه است و چندجانبه‌گرایان چشم به برش لبه‌ی دیگر آن دوخته‌اند!

سینماگر وطن‌پرست باوجدان

سینمای ایران جایزه گرفت مظلومیت مردم ایران روایت شد

| صفحه ۱۲ |

سرمقاله

جاده‌صاف‌کن دشمن نباشید

محمد جواد اخوان
مدیرمسئول

اظهارات اخیر غلامحسین کرباسچی در یک برنامه تلویزیونی و ادعای او مبنی بر اینکه حمله به چند کشتی متخلف که قصد عبور غیرقانونی از جنوب تنگه هرمز را داشته‌اند، در ۱۶ تیرماه به شکست توافق اسلام‌آباد انجامیده است، علاوه بر آنکه عاری از واقعیت است، نشانه تلخی از نوعی کنشگری غلط در برخی سیاسیون کشور هم هست.

نخست، خود این ادعا با واقعیت‌های پیش از حادثه همخوانی ندارد. پیش از آن اتفاق و در فاصله ۲۸خرداد تا ۱۶ تیر ۱۴۰۵، بارها شاهد نقض تعهدات از سوی امریکا در چارچوب توافق اسلام‌آباد بودیم. نقض عهد امریکا نه یک احتمال، بلکه واقعیتی بود که در طول زمان تکرار شد. طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند پایبندی یک‌طرفه به توافقی را ادامه دهد که طرف مقابل آن را زیر پا می‌گذارد. منطق روشن حقوقی و سیاسی می‌گوید وقتی توافقی از سوی طرف مقابل نقض می‌شود، طرف دیگر حق اقدام متقابل دارد.

بر اساس همان توافق، قرار بود در ۶۰ روز نخست، عبور و مرور با ترتیبات مورد تأیید ایران و از کریدوری در شمال تنگه انجام شود که جمهوری اسلامی ایران آن را تأیید کرده بود. در چنین شرایطی، امریکایی‌ها قصد داشتند از رویدادهای داخلی ایران، از جمله مراسم تشییع پیکر پاک رهبر شهید، برای نقض توافق سوءاستفاده کنند. بنابراین آنچه رخ داد، نه یک اقدام خودسرانه، بلکه تصمیمی در چارچوب سلسله‌مراتب نظامی کشور و بر پایه حق عمل متقابل بود.

دوم، نکته مهم‌تر از خود این ادعا، الگوی تکرارشونده‌ای است که برخی سیاسیون در قبال آن قرار می‌گیرند. بخشی از چهره‌های سیاسی، عمدتاً در جریان اصلاح‌طلب و میان غرب‌گرایان، در حوادث مهم و رویارویی‌های بزرگ ملی، انگشت اتهام را به سمت خودی نشانه می‌گیرند و جمهوری اسلامی ایران را متهم می‌کنند، درحالی‌که از تبرئه طرف امریکایی ابایی ندارند. آقای کرباسچی نیز در همین چارچوب، بدون توجه به نقض‌های پیشین امریکا، مسئولیت شکست توافق را به ایران نسبت می‌دهد. پیش‌ازاین نیز افرادی مانند بهزاد نبوی چنین ادعایی را مطرح کرده بودند؛ ادعاهایی که پایه‌ای در واقعیت ندارد.

با تأسف بیشتر باید خاطرنشان کرد که این رویکرد پیش‌تر در ماجراهای پیشین از جمله برجام هم دیده شد. زمانی که امریکایی‌ها در دوره اول ترامپ با گستاخی تمام از برجام خارج شدند، باز هم عده‌ای در داخل کشور همین مسیر را رفتند و کوشیدند خروج امریکا را به گردن ایران بیندازند. آقای حسن روحانی رئیس جمهور اسبق در جریان مناظرات انتخاباتی، رونمایی از شهرهای موشکی و یا شعارنویسی روی موشک‌ها را بهانه خروج امریکا از برجام اعلام کرد، درحالی‌که واضح است که موضوع برجام اساساً مسئله موشکی نبود و پرونده موشکی موضوعی جدا از برجام است. این یک اصل واضح حقوقی است که نمی‌توان با یک بهانه بی‌ربط، از یک توافق غیرمرتبط با آن موضوع خارج شد.

سوم، این رفتار سیاسی ریشه در یک نگاه خودتحقیرگر و خودمتهم‌ساز دارد. جریانی که دشمن را تبرئه می‌کند و نیروهای داخلی، نظام و جمهوری اسلامی ایران را متهم می‌سازد، در واقع تصور می‌کند تنها راه نجات کشور تسلیم شدن در برابر دشمن است. در این نگاه، دشمن چنان زورمند فرض می‌شود که چاره‌ای جز تسلیم در برابر او نیست.

البته خطای مشابه دیگری در برخی نیروهای سیاسی دیگر هم وجود دارد که گاه به ادعاهای دروغ و عملیات روانی دشمن اعتماد و مسئولان کشور از جمله سران قوا را در مسائل مختلف متهم می‌کنند. این رویکرد نیز خلاف امر ملی و منافی منافع ملی و امنیت ملی است.

چنین نگرش‌هایی نه‌تنها با واقعیت‌های عینی همخوانی ندارد، بلکه در عمل به تقویت جبهه دشمن می‌انجامد. در یک رویارویی ملی و در منازعه‌ای میان ایران و دشمن خارجی، اولویت روشن است: دفاع از منافع ملی و ایستادن در کنار ملت و میهن خود. حتی اگر کسی در تحلیل خود با سیاست رسمی اختلاف داشته باشد، تقویت دشمن در چنین رویارویی‌ای به‌معنای بازی در زمین اوست؛ هرچند خود را معتقد به امر ملی بداند. کسی که در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران را متهم و دشمن را تبرئه می‌کند، در واقع نه امر ملی را می‌شناسد و نه جایگاه خود را در معادلات قدرت. ندیدن خصومت و خباثت دشمن و نشانه رفتن اتهام به سمت نیروهای داخلی - خواه مسئولان کشور، خواه مدافعان وطن و حتی رقبای سیاسی - عملاً افراد را به پیاده‌نظام داخلی و جاده‌صاف‌کن اهداف دشمن تبدیل خواهد کرد، حتی اگر خودشان متوجه نشوند. تبرئه‌کنندگان دشمن راه را برای نیات شوم آینده دشمن هموار می‌کنند.

یادداشت سیاسی

حمیدرضا شاه‌نظری

داغ امام چراغ اراده ملت را روشن‌تر کرد

وقتی جنگ تحمیلی سوم آغاز شد، قرار بود هراس حملات دشمن، خیابان‌ها را از مردم خالی کند و میدان را برای جولان تروریست‌ها آماده سازد. قرار بود ترس، شهر را به سکوت بکشاند و ناامنی، مردم را از صحنه سرنوشت خویش بیرون براند تا سرنوشت ملت بزرگ ایران به دست دشمنان نوشته شود، اما زهی خیال باطل | صفحه ۲

یادداشت بین‌الملل

حنیف غفاری

پایان تاریخ مصرف دیونمایی راست در پاریس؟!

طبق پایش‌های میدانی، ماریـن لوپن، رهبر جریان راست‌گرای هویت‌محور (جبهه ملی)، نه فقط در مرحله نخست کارزار ریاست‌جمهوری ۲۰۲۷، بلکه در فینال نفس‌گیر و دوقطبی نهایی نیز بر هر دو نماد اصلی سیستم حاکم، ژان‌لوک ملانشون به عنوان چهره چپ رادیکال و ادوارد فیلیپ به عنوان نماینده راست میانه و تکنوکراسی لیبرال، پیروز خواهد شد | صفحه ۱۱

یادداشت اجتماعی

محمدرضا هادیلو

پیوند زمین‌های حاصلخیز با دانش دیجیتال

کشاورزی ایران با تکیه بر اقلیم‌های چهارگانه و تنوع کم‌نظیر زیستی در پهنه استان‌های مختلف، سرمایه‌ای منحصربه‌فرد را در اختیار دارد که در صورت مدیریت کارآمد، بستر پایداری برای تأمین نیازهای غذایی جامعه و ارتقای سهم کشور در صادرات محصولات متنوع از غلات تا صیفی‌جات و مرکبات فراهم می‌آورد | صفحه ۳

فرماندهان نیروهای مسلح: تنگه هرمز همچنان بسته است

تنگه هرمز را «میدان» ایران کنترل می‌کند نه «روایت» ترامپ

صفحه ۲

پزشکیان در هفدهمین کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی:

امریکا و رژیم صهیونیستی اکوسیستم منطقه را تخریب کرده‌اند

صفحه ۲